

بولتن نیوز، آذر ۱۳۹۳

## 10 آذر شهادت شهید مدرس و روز مجلس

محمد طاهر یعقوبی

**گروه سیاسی-دکتر محمد طاهر یعقوبی**، روزی رضاخان به مدرس پیغام داد: به گونه ای ترا بکشم که در زمره کفار دفنت کنند. مدرس پاسخ داد: قبر من هر جا که باشد امام زاده می شود اما تو در جایی خواهی مرد که نه آب باشد و نه آبادی، و تاریخ به صدق این جملات مدرس گواهی داد که چگونه مرقد او زیارتگاه شد و رضاخان توسط اربابان انگلیسی اش به جزیره دور افتاده موریس تبعید شده و سپس به ژوهانسبورگ منتقل و در تنهایی از دنیا رفت.

**به گزارش بولتن نیوز**، سید حسن طباطبایی قمشه ای، ملقب به مدرس، بر حسب اسناد تاریخی و نسب نامه ای که حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تنظیم نموده از سادات طباطبایی زواره است که نسبش پس از سی و یک پشت به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. او در سال 1249ش در روستای سرابه اردستان به دنیا آمد و تا سن 14 سالگی در شهرضا اصفهان مقدمات عربی را فرا گرفت. بعد از آن در سن 16 سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود در 1273ش عازم نجف اشرف گردید و در مدرسه صدر ساکن شد. سید حسن مدرس در طول دوران تحصیل در نجف، روزهای پنجشنبه و جمعه کارگری می کرد و از آن طریق امرار معاش می نمود. پس از آنکه به درجه اجتهاد نایل شد، در 1286ش برای ارشاد و تدریس به اصفهان مراجعه نمود که همزمان با دوران رشد و گسترش نهضت مشروطیت بود.

لقب مدرس از آن جهت به او داده شد که نزدیک 30 سال به تدریس اشتغال داشت. مدرس اولین کسی بود که تدریس نهج البلاغه را در حوزه های علمیه رسمی کرد شخصیت هایی چون استاد شهید مطهری و آیه الله العظمی بروجردی نهج البلاغه را نزد شهید مدرس آموختند. مدرس علاوه بر کسب مدارج عالی حوزوی با تاریخ غرب و فلسفه سیاسی اروپا نیز آشنا بود و خودش می گوید که وقتی در نجف بودم و در عین تحصیل کار می کردم کارفرمای من مردی مسن و یکی از تجار اروپایی بود که بسیار مطالعه می کرد و در عوض کارگری به من تاریخ غرب می آموخت. در دوران این کارگری بود که مدرس، تاریخ شاردن، روح القوانین منتسکیو و تاریخ شهریار ماکیاولی را نزد کارفرمای خود خواند.

ساده زیستی، صراحت کلام و مبارزه آشتی ناپذیر وی با متنفذان و مالکان بزرگ اصفهان، بزرگ ترین عامل شهرت مدرس بود. همزمان با تشکیل دوره دوم مجلس

شورای ملی، مدرس از سوی آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی - مطابق اصل دوم متمم قانون اساسی - به عنوان یکی از مجتهدان طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی گردید و از سوی مجلس نیز پذیرفته شد. از این زمان فعالیت ها و مبارزات سیاسی مدرس آغاز شد.

در محرم 1296 ش بیست و هفت نفر از نمایندگان مجلس و گروهی از رجال سیاسی و مردم عادی به منظور مقابله با تجاوزات روس و انگلیس به ایران، به طرف قم حرکت کردند و در آن شهر "کمیته دفاع ملی" را تشکیل دادند و يك هیأت چهار نفره برای اداره امور برگزیدند که مدرس یکی از آنان بود.

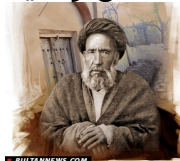
در ذیقعده 1299 ش، وثوق الدوله قرارداد ننگین 1919 م را با انگلستان منعقد ساخت که براساس آن اختیار امور مالی و نظامی دولت ایران در دست مستشاران انگلیسی قرار می گرفت، اما بر اثر مخالفت های مدرس در مجلس و افکار عمومی، مجلس قرارداد مذکور را رد کرد و وثوق الدوله به ناچار از کار برکنار گردید.

پس از کودتای سوم اسفند 1299 ش که توسط رضاخان و سید ضیاءالدین طباطبایی صورت گرفت، بسیاری از آزادی خواهان دستگیر شدند، از جمله آنان مدرس بود که به قزوین تبعید و در آنجا زندانی شد. او بیش از سه ماه در حبس بود و پس از عزل سید ضیاء آزاد شد. مدرس در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و در رأی گیری، نایب رئیس مجلس شد.

در این دوره که رضاخان (سردار سپه) پست وزارت جنگ را داشت و پایه های دیکتاتوری خود را مستحکم می کرد، شهید مدرس به شدت از او انتقاد نموده و گفت: عجلتاً امنیت در دست کسی است که اغلب ما خوشوقت نیستیم. شما مگر ضعف نفس دارید که این حرف ها را می زنید و در پرده سخن می گوئید؟ ما نمایندگان بر هر کس قدرت داریم، می توانیم پادشاه را عزل کنیم، رئیس الوزراء را بیاوریم سؤال کنیم، قدرتی که مجلس دارد هیچ چیز نمی تواند در مقابلش بایستد.

مدرس در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی که در اواخر 1302 برگزار شد، علی رغم اعمال نفوذ نظامیان و مأموران شهربانی، به نمایندگی مردم تهران انتخاب گردید و در این زمان رضاخان به فرمان احمدشاه به نخست وزیری منصوب شد. شهید مدرس که مورد حمله رضاخان و حامیانش بوده و تنها مانده بود، در پاسخ این سؤال که آیا از این پس در مبارزه خود امید موفقیت دارد، گفت: من در این کشمکش، چشم از حیات پوشیده و از مرگ باک ندارم. آرزو دارم اگر خونم بریزد، فایده ای در حصول آزادی داشته باشد. من به تنهایی از دستگاه سردار سپه نمی ترسم، اما او با تمام قدرت و جلال سلطنتش از من می ترسد.

در دوره ششم مجلس با وجود آنکه تحت نظر کامل رضاخان برگزار شد، بار دیگر به مجلس راه یافت. رضاخان که هر روز قدرت استبدادی



خود را توسعه می داد دستور سوقصد به جان مدرس را داد که مدرس مجروح و دو ماه

بستری بود.

در انتخابات دوره هفتم که بار دیگر تحت نظارت شدید مأموران نظامی برگزار شد، اعلام گردید که مدرس حتی یک رأی نیز نیاورده است و او با اشاره به تقلب وسیع در انتخابات به طنز گفت که لااقل يك رأی را که به خودم دادم می خواندید! مدرس که امکان ورود به مجلس را از دست داده بود، دیگر امکانی برای ابراز مخالفت نداشت و از مصونیت پارلمانی نیز برخوردار نبود. رضاخان که مترصد چنین فرصتی بود دستور دستگیری او را صادر کرد و در 16 مهر 1307ش به روستای کویری اطراف مشهد در خواب تبعید شد و سپس در آبان ماه 1316 به دستور رضاخان به کاشمر منتقل و در 10 آذر 1316 توسط مأموران رضاخان به شهادت رسید و اکنون مرقد او زیارتگاه مومنین است.

## رابطه دین و سیاست از دیدگاه شهید

### مدرس

مدرس با بیان این جمله معروف در نطق سال 1302ش خود که "دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست" به سراغ ریشه یابی علل انحطاط مسلمین رفته و آن را در جدایی سیاست و دیانت می جوید و می گوید: فکر می کردم چرا ممالک اسلامی رو به ضعف رفته و ممالک غیراسلامی رو به ترقی؟ بالاخره چنین فهمیدم که ممالک اسلامی، سیاست و دیانت را از هم جدا کرده اند... لهذا در ممالک اسلامی، اشخاصی که متدین هستند، دوری می کنند از اشخاصی که داخل در سیاست هستند و به همین دلیل حکومت در اختیار ناهلان قرار میگیرد.

عارف نامدار مرحوم حضرت آیه الله العظمی بهاءالدینی در مصاحبه ای اظهار داشتند، مرحوم مدرس يك رجل علمی و دینی و سیاسی بود و این گونه فردی مهمتر از رجل علمی و دینی است، زیرا این مظهر ولایت است و اگر ولایت و سیاست مسلمین نباشد دیگر فروع اسلامی تحقق کامل نمی یابد.

شهید مدرس، با شجاعتی شگفت انگیز و وصف ناشدنی در مقابل استعمار خارجی و استبداد داخلی ایستاد تا الگوی عصر ما به ویژه برای مجلس باشد. باید آموخت که همچون شهید مدرس، همواره آزاده، وارسته، شجاع، مستقل و حامی دین و مردم محروم جامعه باشیم.

**\*عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور**

تاریخ کپی و تهیه ی فایل پی.دی.اف.: ۳۰ مرداد ۱۳۹۶ ( ۲۱ آگوست ۲۰۱۷، ۲۸ ذالقعده ۱۴۳۸)